

ملاحظات در باب زبان قرآن: تحلیلی نقشگرا، تبیینی شناختی - رده‌شناختی

حسین بازبندی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۷

تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۲/۱۵

چکیده

یکی از بحث‌های عمده و دامنه‌دار در حوزه علوم قرآنی، به مسأله زبان قرآن برمی‌گردد. تاکنون مطالعات بی‌شماری در مورد ویژگی‌های زبان قرآن از جنبه‌های گوناگون صورت گرفته است. با وجود این، عمدتاً نتایج این مطالعات مبتنی بر تحلیل‌های دقیق برآمده از نظریه‌های نوین زبان‌شناختی نیست. از این رو، پژوهش حاضر، جهت بررسی جنبه‌های معینی از زبان قرآن، با کارکردی دوگانه، نخست، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی در چهارچوب زبان‌شناسی نقشگرای نظام‌مند هلیدی و متیسن (۲۰۱۴) به بررسی ساخت و جبهی در جریان گفتگوی خداوند متعال و ابلیس در چهار سوره «اعراف»، «حجر»، «اسراء» و «ص» می‌پردازد و سپس، طبق نتایج حاصل از این بررسی، با استفاده از مفهوم شناختی سرمنون رُش (۱۹۷۸)، سلسله‌مراتب نشان‌داری گرینبرگ (۱۹۶۶) و معیار بسامد کاربرد کرافت (۲۰۰۳)، به تبیین شناختی و رده‌شناختی این نتایج در راستای فهم بهتر ویژگی‌های ساختاری زبان قرآن اشاره می‌کند. نتایج عمده پژوهش نشان می‌دهد که زبان قرآن، از همان سازوکارهای رایج و قواعد حاکم بر تعاملات زبان بشر بهره گرفته است و به لحاظ زبان‌شناختی، اساساً زبانی ساده است نه ادبی و خاص.

کلیدواژه‌ها: زبان قرآن، وجه‌نمایی، سلسله‌مراتب نشان‌داری گرینبرگ، فرانقش بینافردی، نظریه سرمنون.

مقدمه

است (قائمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۳۰). نص، وحدت زبانی و ارتباطی خاصی است و مانند هر متن بشری دو بُعد وحدت زبانی و ارتباطی دارد. این سخن به معنای بشری دانستن متن الهی و کلام خدا نیست. گاهی مراد از «بشری» این است که صرفاً در ارتباط بشر با بشر تکوین یافته است و مانند همه متن‌های بشری فقط در سطح افقی شکل گرفته است. در نتیجه، فقط تابع قوانین بشری است و در مقام تحلیل آن، توجه به همین قوانین کافی است. «بشری بودن» به این معنا در نص الهی روا نیست و از «بشری بودن» این معنا اراده نشده است. قرآن به این معنا متنی بشری است که در تحلیل آن باید به قوانین زبان بشر توجه کرد (همان: ۱۴۹).

چیستی و ماهیت زبان قرآن از جمله موضوعاتی است که همواره مورد توجه اندیشمندان بوده است و تاکنون از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است. عرف عام بودن، عرف خاص بودن، فراعرفی بودن، وحیانی بودن، ادبی بودن، اشتغال زبان قرآن بر کنایه و مجاز، جنسیتی بودن، تعلیمی بودن، چند ساحتی بودن، گفتاری بودن، همگانی بودن، فطری بودن، رمزی و نمادین بودن، زبان هدایت بودن، اخلاقی بودن و ویژه بودن زبان قرآن از ویژگی‌های متعددی است که در مورد زبان این کتاب مقدس برجسته شده است (برای نمونه: خوش‌منش، ۱۳۸۸: ۹۶-۱۲۲؛ سعیدی روشن، ۱۳۸۳/۱۳۸۹: آگاهی و فقهی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۰۸؛ لسانی فشارکی، ۱۳۷۹).

بالاین حال، عمدتاً نتایج این مطالعات، مبتنی بر تحلیل‌های دقیق برآمده از نظریه‌های نوین زبان‌شناختی نیست. همان‌طور که قائمی‌نیا (۱۳۹۰: ۲۴-۲۵) نیز اشاره می‌کند، به یقین، سودجستن از ابزارها و دانش‌های

زبان آسان‌ترین وسیله انتقال مفاهیم ذهنی در انسان به شمار می‌رود و ساده‌ترین ابزاری است که انسان می‌تواند در حیات اجتماعی، از طریق آن، معانی متصوره خویش را مورد تبادل و تفاهم قرار دهد. لذا خداوند پس از نعمت آفرینش، آن را از بزرگ‌ترین نعمت‌ها یاد کرده است: ﴿الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾. شرایع الهی که برای انسان‌ها آمده و با آنان سخن گفته، از همین شیوه معمولی و متعارف بهره جسته است؛ ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ...﴾^۲. از این رو زبان شریعت همان زبان مردم است و چون روی سخن با مردم است، باید زبانی قابل فهم برایشان باشد (معرفت، ۱۳۸۳: ۳۶-۳۷). با این حال جای تردید نیست که قرآن در دو جهت لفظ و معنا ساختاری وحیانی دارد و صرفاً کلام خداست (همان: ۴۸).

بدون شک، وحی، گفتار و نوعی اظهار^۳ بود. خداوند در شرایط مکانی و زمانی خاصی جملاتی از عربی را به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اظهار کرد. وحی در اصل متنی گفتاری بود؛^۴ بدین معنا که خداوند دستگاه نشانه‌ای خاصی را در موقعیت زمانی و مکانی معینی برای تعبیر آوردن از مقاصد خودش به کار برده

۱. الرحمن/۴-۱

۲. ابراهیم/۴

۳. تأکید از خود نویسنده.

۴. شواهد گفتاری بودن قرآن فراوان است؛ برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به فصل دوم از کتاب تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول) مبانی، اصول، قواعد و فواید اثر ارزشمند عبدالکریم بهجت‌پور (۱۳۹۲) رجوع کنید.

فرائتش بینافردی^۱. زبان با اینکه تفسیرکننده است، همیشه عمل‌کننده نیز هست، به طوری که روابط شخصی و اجتماعی ما با مردم دوروبرمان را نیز به انجام می‌رساند. این نوع معنا نسبت به نقش تفسیری و تجربه‌ای زبان خیلی فعال‌تر است. در واقع این نقش زبان به‌عنوان یک فعالیت قلمداد می‌شود که از آن با نام «فرائتش بینافردی» یاد می‌شود که هم ناظر بر شخص و هم ناظر بر تعامل است (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۳۰).

از آنجاکه در چهارچوب فرائتش بینافردی، از زبان برای تعامل با دیگر افراد، برقراری رابطه و حفظ این رابطه، تحت تأثیر قرار دادن رفتار سایرین، بیان دیدگاه شخصی خود و درک یا تغییر دیدگاه‌های دیگران استفاده می‌شود، بررسی کارکرد این فرائتش در زمینه متن قرآن کریم که در دو جهت لفظ و معنا ساختاری و حیاتی دارد و از توان تعاملی، ارتباطی و انگیزشی بسیار بالایی نیز برخوردار است (بازبندی و صحرایی، ۱۳۹۴) می‌تواند، به طور خاص، محک مناسبی برای بررسی شیوه تبادل معنا و ساخت وجهی در قرآن و در سطح کلان، شواهدی برای بررسی مسأله زبان قرآن فراهم آورد. از این رو، این مقاله، در مقام پاسخ به این دو پرسش است: ۱. بررسی ساخت وجهی در قالب فرائتش بینافردی چه کمکی به درک بهتر مخاطب از متن و شیوه تبادل معنا و در نتیجه تفسیر منسجم‌تر از قرآن می‌کند؟ ۲. نتایج حاصل از بررسی ساخت وجهی در چهارچوب دستور نقشگرای نظام‌مند و به تبع آن تبیین شناختی و رده‌شناختی این نتایج، چه تفسیری در باب ویژگی‌های زبان قرآن به دست خواهد داد؟

جدید، نوعی تدبر روشمند در آیات این کتاب آسمانی و از مصادیق برجسته آن است (البته معنی این سخن این نیست که می‌توانیم همه دیدگاه‌ها و نظریات جدید را به خدمت تفکر دینی و به‌ویژه به خدمت قرآن درآوریم زیرا در تفکر غربی و در میان دانش‌های جدید هم مطالب قابل نقد فراوانی مشاهده می‌شود). از این رو، پژوهش حاضر با به خدمت گرفتن نظریات نوین زبان‌شناختی (که ذیلاً به آن پرداخته خواهد شد) تلاشی است در جهت نوعی تدبر روشمند در آیات قرآن.

یکی از سه دیدگاه کلان در مورد زبان، دیدگاهی است موسوم به نقش‌گرایی. در این دیدگاه بر مقدم بودن نقش ارتباطی زبان و سرچشمه گرفتن نحو و صورت از آن تأکید می‌شود. نقش‌گرایان بر این باورند که اصلی‌ترین وظیفه زبان ایجاد ارتباط است و از این رو به حضور نقش ارتباطی، کاربردشناختی و کلامی/گفتمانی به‌عنوان بخش‌های لاینفک دانش زبانی و نتیجتاً طرد تفکر استقلال و خودمختاری زبان، تأکید می‌ورزند (دبیرمقدم، ۱۳۸۳: ۴۹). در میان رویکردهای نقشگرا به زبان، یکی از پرکاربردترین آنها، دستور نقش‌گرای نظام‌مند^۵ هلیدی و متیسن^۶ (۲۰۱۴) است که برای توصیف زبان به فرائتش‌های^۷ زبانی در متن می‌پردازد. از دیدگاه هلیدی، ساختار زبان متأثر از نقش‌هایی است که زبان در بافت ارتباطی و در جهان خارج به عهده دارد و این تأثیر به شکل سه فرائتش تجلی می‌یابد: فرائتش بازنمودی^۸، فرائتش متنی^۹ و

5. Systemic Functional Grammar
6. M.A.K. Halliday & M.I.M. Matthiesson
7. Metafunctions
8. Representational metafunction
9. Textual metafunction

10. Interpersonal

۲. نتایج حاصل از این بررسی، با به خدمت گرفتن تبیین‌هایی دیگر از مفاهیم رایج در مکاتب کلان زبان‌شناسی (رویکردهای شناختی و رده‌شناسی) شواهد قابل قبولی درباره ساخت و ماهیت زبان قرآن به دست می‌دهد.

پژوهش حاضر، به‌جز مقدمه و بیان مسأله مشتمل بر چهار بخش اصلی دیگر می‌باشد. بخش دوم به پیشینه پژوهش، بخش سوم به مبنای نظری و بخش چهارم به تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت بررسی ساخت وجهی پیکره و آنگاه تبیین شناختی و رده‌شناختی نتایج حاصل از آن می‌پردازد. بخش آخر نیز به نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

پیشینه پژوهش

تا جایی که راقم سطور حاضر مورد بررسی قرار داده است، تاکنون هیچ‌گونه پژوهشی در جهت بررسی چیستی زبان قرآن در چهارچوب نظریه نقش‌گرای نظام‌مند که با تبیینی شناختی و رده‌شناختی نیز همراه شده باشد صورت نگرفته است. با این حال، مطالعات بسیار زیادی در زمینه زبان قرآن از دیگر جنبه‌ها انجام شده است. در اینجا به مهم‌ترین آنها اشاره کوتاهی می‌شود.

سعی شده است در حد زیادی جانب احتیاط علمی از سوی نگارنده رعایت شود. این احتیاط قاعدتاً زمانی توجیه بیشتری نیز می‌یابد که پیشتر، چالش‌های پیش‌روی این مدل نظری برجسته شده باشد. با وجود این، در مقاله حاضر، به دلیل مقتضیات بحث، به چالش‌های نظریه مزبور پرداخته نمی‌شود مگر جایی که ضرورت پیدا کند. در همین راستا، خواننده علاقه‌مند را برای آگاهی از برخی از این چالش‌ها به بازبندی و صحرایی (۱۳۹۵: ۲۲-۲۳) ارجاع می‌دهیم.

به بیان روشن‌تر، پژوهش حاضر، صرفاً جهت یک بررسی کاملاً زبان‌شناختی در باب زبان قرآن^{۱۱}، با کارکردی دوگانه، نخست، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی در چهارچوب رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی (۲۰۱۴) به بررسی ساخت وجهی در پیکره‌ای معین (گفتگوی بین خداوند متعال و ابلیس در ماجرای سجده نکردن ابلیس بر آدم در چهار سوره «اعراف»، «حجر»، «اسراء» و «ص») براساس فرانش بینافردی می‌پردازد و سپس، براساس نتایج حاصل از این بررسی، با استفاده از مفهوم شناختی سرمنون^{۱۲} رش^{۱۳} (۱۹۷۸)، سلسله‌مراتب نشان‌داری^{۱۴} گرینبرگ^{۱۵} (۱۹۶۶) و معیار بسامد کاربرد^{۱۶} کرافت^{۱۷} (۲۰۰۳) به تبیینی شناختی و رده‌شناختی از برخی ویژگی‌های زبان قرآن اشاره می‌کند. در همین راستا، فرضیه‌های پژوهش بدین ترتیب بیان می‌شوند: ۱. با توجه به توازی و انطباق انتخاب‌های معنایی با سطح ساختاری واژگان‌دستور، بررسی ساخت وجهی در متن قرآن می‌تواند به طرز قابل قبولی زمینه‌ساز درک بیشتر خواننده و شنونده متن از شیوه تبادل معنا در قرآن را فراهم کند و در زمینه تفسیر قرآن سودمند واقع شود؛^{۱۷}

۱۱. لازم به ذکر است که پژوهش حاضر هیچ‌گونه نظری به بررسی مسأله زبان قرآن از باب مراتب معنایی و اهداف این کتاب مقدس به‌عنوان زبان دین ندارد و اصلاً بضاعت اندک نگارنده نیز اجازه ورود به این حوزه را نمی‌دهد؛ بررسی حاضر صرفاً یک بررسی زبان‌شناختی است و در همین راستا، متن قرآن را یک متن زبانی قلمداد می‌کند.

12. E. Rosch

13. Markedness Hierarchy

14. J. Greenberg

15. Frequency

16. W. Croft

۱۷. رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند اصالتاً برای تحلیل زبان انگلیسی پایه‌گذاری شده است، لذا به‌هنگام کاربرد این نظریه در متن قرآن

و اشاره می‌کنند که دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام که جمع‌کننده ظاهر و باطن قرآن است ترجیح داده می‌شود. در همین راستا، شاکر (۱۳۸۰: ۱۲۰) پس از اشاره مختصر به اصطلاحات تخصصی مختلف از جمله زبان عرفی، زبان رمز، زبان نمادین، زبان ادبی، زبان علمی و زبان تمثیلی به بررسی ویژگی‌های زبان قرآن می‌پردازد. ایشان علاوه بر اینکه زبان قرآن را دو لایه (دارای ظاهر و باطن) و برخوردار از اصطلاحات تخصصی خاص خود (عرف خاص) قلمداد می‌کنند، بر این باورند که با توجه به اینکه قرآن کریم از شیوه‌های مختلفی برای هدایت استفاده کرده است (از جمله قصص، امثال و احکام)، در هر یک از آنها زبان خاصی را به کار گرفته است (دیدگاه ترکیبی زبان قرآن).

علی‌دوست، قائمی‌نیا و رفیعی (۱۳۹۲) با تفکیک نظامات زبانی به بخش‌های ثابت و متغیر، به‌زم خود، تحلیلی متفاوت از موضوع «لسان قوم» ارائه می‌دهند که تا حدودی شبیه به تحلیل سعیدی روشن (۱۳۸۹: ۱۸۶) است. آنها زبان قرآن را در حوزه نظامات ثابت زبانی (لغت و قواعد)، زبان عرف تلقی می‌کنند و در حوزه نظامات غیرثابت زبانی (چینش واژگان، بدایع، انتخاب مفاهیم و واژگان، نظم‌آهنگ و سایر وجوه غیرثابت)، آن را عرف خاص می‌دانند (دیدگاه عرفی دوسطحی).

مفاهیم و مبنای نظری پژوهش

از آنجا که توصیف و تحلیل داده‌های پیکره، در چهارچوب نظری زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و متیسن (۲۰۱۴) انجام می‌شود و صرفاً تبیین و تفسیر نتایج حاصل از این داده‌ها با استفاده از مفهوم

سعیدی روشن (۱۳۸۳، ۱۳۸۹) به‌طور مفصل در مورد دیدگاه‌های مختلف پیرامون زبان قرآن به بررسی و تتبع پرداخته است. ایشان با بررسی مسائلی متعددی از جمله زبان قرآن در سطح مفردات، نقد و تحلیل دیدگاه‌های گوناگون در مورد زبان گزاره‌های قرآن و همچنین نقد رویکردهای جدید زبان دینی در غرب ابراز می‌دارند که دیدگاه وی در مورد زبان قرآن، نظریه زبان عرفی محض نیز نیست، بلکه نظریه مورد تأکید وی، زبان خاص یعنی «زبان هدایت» است (سعیدی روشن، ۱۳۸۳: ۳۷۱). در نظر ایشان، «زبان هدایت» با زبان سایر قلمروها در عین اشتراک، ویژگی‌های خاص خود را دارد. بی‌گمان زبان قرآن دارای لایه‌های متعدد است. لایه نخست زبان قرآن همان زبان عرف عام است، اما لایه‌های عمیق‌تر آن، فراعرفی یا عرف خاص است (سعیدی روشن، ۱۳۸۹: ۱۸۶).

لسانی فشارکی (۱۳۷۹: ۴-۱۸) سه دیدگاه عمده یعنی عربی بودن، فطری بودن و ویژه بودن زبان قرآن را برجسته می‌کند و سپس به ترتیب هر کدام را مورد نقد قرار می‌دهد و نهایتاً چنین نتیجه می‌گیرد که «خداوند در پوشش و قالب زبان عربی، زبانی پدید آورده است که «للنَّاس» است تا اولاً: زبان تفاهم و تبادل انسان‌ها با رب‌العالمین باشد و ثانیاً: در بین یک گروه اجتماعی خاص که حمله‌القرآن می‌باشند، به‌عنوان یک زبان، مانند زبان فرانسه، انگلیسی، عربی و... مطرح باشد و مورد استفاده قرار گیرد» (همان: ۱۸).

رضایی اصفهانی (۱۳۸۸: ۱۳۷) با اشاره به زبان تأویلی و باطنی قرآن، سه رویکرد اساسی در این زمینه (دیدگاه باطنیان و متصوفه، دیدگاه ظاهرگرایان و دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام) را مورد بررسی قرار داده

شناختی سرنمون رُش (۱۹۷۸)، سلسله مراتب نشان‌داری گریبنرگ (۱۹۶۶) و معیار بسامد کاربرد کرافت (۲۰۰۳) صورت می‌گیرد، فلذا، در این بخش، فقط به مفاهیم و اصطلاحات نظری رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند می‌پردازیم و به تناسب بحث در بخش تجزیه و تحلیل داده‌ها، به هنگام تبیین و تفسیر نتایج، به توضیح سه مفهوم اخیر اشاره می‌شود (لازم به ذکر است که نویسنده سعی زیادی کرده است که این مفاهیم و اصطلاحات نظری را تا حد امکان به گونه‌ای ساده‌سازی شده ارائه دهد که هم مخاطبان خاص حوزه علوم قرآن و حدیث و هم علاقه‌مندان به بحث‌های میان‌رشته‌ای بتوانند بحث را با سهولت بیشتری دنبال کنند، اگرچه ممکن است به چنین غایتی به طور کامل دست نیافته باشد که البته این مسأله به دلیل پیچیدگی مفهومی خاص مبنای نظری تا حدی اجتناب‌ناپذیر است).

در دستور نقش‌گرای نظام‌مند، مفهوم زیربنایی و اساسی دستور، انتخاب^{۱۸} است که از طریق مفهوم نظام بازنمایی می‌شود (هلیدی، ۲۰۰۳: ۱۸۳). طبق این دستور، زبان یک نظام خوش‌تعریف^{۱۹} نیست؛ معادل مجموعه‌ای از همه جملات دستوری نیست، لذا با قواعد تعبیر نمی‌شود. در این دستور، زبان یک نظام نشانه‌شناختی است؛ اما نه از حیث نظامی از نشانه‌ها، بلکه از حیث منبعی نظام‌مند برای معنا، چیزی که هلیدی آن را اغلب پتانسیل یا منبع بالقوه معنا^{۲۰} می‌نامد. قلب زبان در این دستور سطح انتزاعی کدگذاری است یعنی واژگان دستور^{۲۱} (همان: ۱۹۲-۱۹۴). به عبارتی، در این رویکرد، دستور به مثابه

نظامی نگریسته می‌شود که سازنده معناست و مقوله‌های دستوری با توجه به معنایی که دارند توصیف می‌شوند (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۱۰). این دستور، به زبان در متن می‌پردازد و به نقش دستور در ارتباط با واژگان، در انجام نقش‌های خاص و تشخیص انواع معنی توجه دارد. به منظور شناخت این معانی، باید مبتنی بر دستور یا واژگان- دستور عمل کنیم و همیشه در نظر داشته باشیم که از منظر رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند، واژگان- دستور براساس اهداف متن انتخاب می‌گردد و موضوع آن انتخاب‌هایی است که گوینده از مجموع امکانات معنایی زبان یعنی از نظام معنایی، صورت می‌بخشد. هر متنی، محصول انتخاب‌های پی‌درپی، در شبکه بسیار بزرگی از نظام‌هاست.

نظریه نقش‌گرای نظام‌مند از آن رو به این نام خوانده می‌شود که دستور زبان را در قالب شبکه‌های نظام‌مند بازنمایی می‌کند و نه در قالب فهرستی از ساخت‌ها. البته که ساخت، بخش اصلی چنین توصیفی محسوب می‌شود ولی به مثابه صورت بیرونی‌ای تعبیر می‌شود که از میان انتخاب‌های نظام‌مند صورت گرفته و نه به عنوان مشخصه تعیین‌گر زبان. هر زبان، وسیله‌ای برای ایجاد معنی است و معنی از دیگر سو، در الگوهای نظام‌مندی از انتخاب‌ها نهفته است (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۲۳ به نقل از مانفردی، ۱۳۹۴: ۵۴-۵۵).

دستور نقش‌گرا همان‌طور که خود هلیدی بیان می‌کند، در این مفهوم نقش‌گراست که به منظور تبیین اینکه زبان چگونه به کار می‌رود، مطرح شده است. در این رویکرد، هر متنی در یک بافت کاربردی رمزگشایی می‌شود. این دستور، در واقع یک دستور طبیعی است مبنی بر اینکه همه چیز در چهارچوب آن، دست آخر

18. choice
19. well-defined
20. meaning potential
21. lexicogrammar

می‌شود.

در دستور هلیدی، بند،^{۲۲} واحد کانونی پردازش در واژگان - دستور است؛ در این مفهوم خاص که در سطح بند، معانی گوناگون، بر ساختارهای دستوری منسجم، منطبق و فراقن می‌شوند (هلیدی و متیسن: ۲۰۱۴: ۱۰). در فرائقش بینافردی، بند به‌مثابه تبادل^{۲۳} تلقی می‌شود؛ یعنی بند از تعامل گوینده/نویسنده با مخاطب شکل می‌گیرد که هر یک عهده‌دار نقش گفتاری^{۲۴} خاصی است؛ و طی آن اطلاعات (ارائه اطلاعات در قالب خبر^{۲۵}؛ ارائه خدمات در قالب پیشنهاد^{۲۶}) یا کالا^{۲۷} و خدمات (درخواست اطلاعات در قالب پرسش؛ درخواست خدمات و کالا در قالب امر^{۲۸}) بین آنها مبادله می‌شود (همان: ۱۳۴-۱۳۶).

در امر تعامل حداقل دو فرد (نویسنده یا گوینده و مخاطب) و یا افراد بیشتری دخیل هستند. به‌لحاظ بینافردی، متن یک سری از تبدلات بین گوینده و مخاطب است - حتی اگر به‌صورت تک‌گویی یک‌طرفه باشد یعنی اساساً یک سری از بیانات که به‌صورت صامت از سوی مخاطب بازشناخته می‌شود (همان: ۴۵). هنگامی که زبان برای تبادل اطلاعات به‌کار گرفته می‌شود، بند، شکل گزاره^{۲۹} به‌خود می‌گیرد. برخلاف خبرها و پرسش‌ها، پیشنهادها و اوامر اساساً گزاره نیستند بلکه پیشنهاد^{۳۰} هستند. به بیان دیگر، نقش معنایی بند در تبادل اطلاعات نقش گزاره و در تبادل کالا و خدمات نقش پیشنهاد است (همان: ۱۳۸-۱۳۹).

با ارجاع به اینکه زبان چگونه به کار می‌رود، توضیح داده می‌شود (هلیدی ۱۹۹۴: xiii)؛ به‌عبارت‌دیگر، هر متن نوشتاری یا گفتاری در بافت کاربردی‌اش قابل درک و تشخیص است و همین کاربرد زبان است که عامل شکل‌گیری نظام زبانی است؛ یعنی، زبان، صرفاً برای اقناع نیازهای انسانی تحول می‌یابد و نحوه شکل‌گیری آن با توجه به این نیازها، نقشی می‌باشد. از این‌رو، دستور نقش‌گرا با مطالعه ایستا یا تجویزی زبان سروکار ندارد، بلکه زبان را در کاربرد واقعی آن توصیف می‌کند. به بیان دیگر، دستور نقش‌گرای نظام‌مند به این امر می‌پردازد که زبان چگونه کار می‌کند، چگونه سازمان می‌یابد و عهده‌دار کدام نقش‌های اجتماعی است. در این دستور، همان‌طور که در مقدمه پژوهش حاضر اشاره شد، ساختار زبان متأثر از نقش‌هایی است که زبان در بافت ارتباطی و در جهان خارج به عهده دارد. از آنجا که این پژوهش اساساً به فرائقش بینافردی اختصاص دارد، در اینجا به دو فرائقش دیگر یعنی اندیشگانی و متنی پرداخته نمی‌شود.

در فرائقش بینافردی، زبان نقش تعاملی و حفظ روابط اجتماعی را دارد و نظام معنایی، توانایی گوینده در رخداد کلامی (اعم از نگرش‌ها، ارزیابی‌ها، قضاوت و انتظارات و خواسته‌های گوینده) را بیان می‌کند. به‌علاوه، ماهیت کلامی گوینده یعنی نقشی که در مبادله کلامی برای خود متصور است و نقشی که در مقام شنونده بر عهده دارد، توسط همین فرائقش و نظام معنایی شکل می‌گیرد (هلیدی، ۲۰۰۲). در واقع، ایجاد ارتباط نیاز به یک سری عوامل دارد که در ساختار وجهی کلام یعنی همان فرائقش بینافردی محقق

22. clause
23. exchange
24. speech functions
25. statement
26. offer
27. goods
28. command
29. proposition
30. proposal

به دو طبقه کلی اخباری^{۳۶} و امری^{۳۷} تقسیم می‌شود. وجه اخباری شامل وجه خبری^{۳۸} و وجه استفهامی^{۳۹} می‌شود (همان: ۱۴۳).

با این حال در تقسیم‌بندی‌های زبان عربی، همان‌طور که بازوبندی و صحرایی (۱۳۹۴: ۶) اشاره می‌کنند، جملات به لحاظ وجه به خبری (که محتمل صدق و کذب است) و انشائی (که محتمل صدق و کذب نیست و مفهومی قبل از سخن گوینده وجود خارجی ندارد و گوینده مفهوم آن را از خود ایجاد کرده است) تقسیم می‌شوند که با تقسیم‌بندی دستور نقش‌گرای نظام‌مند، تفاوتی اساسی دارد. جمله انشائی بر دو قسم است: طلبی (شامل امر، نهی، استفهام، عرض، تحضیض) و غیر طلبی یا انفعالی (شامل خواهش، آرزو، قسم، تعجب، مدح، ذم، ندبه، استغاثه). ذکر این نکته ضروری است که نگارنده سطور حاضر نیز در این مقاله، همسو با بازوبندی و صحرایی (۱۳۹۴) به دلیل تناسب بیشتر با بحث و همچنین بررسی و تحلیل دقیق‌تر داده‌ها به تقسیم‌بندی دوگانه خبری و انشائی قائل خواهد بود (برای اطلاع از نحوه بررسی متفاوت از وجه در عربی نگاه کنید به: رای‌دینگ، ۲۰۰۵: ۵۳). پس از بررسی مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده وجه، اینک به بخش دیگر بند یعنی مانده که متشکل از سه عنصر نقشی یعنی محمول^{۴۰}، متمم^{۴۱} و افزوده^{۴۲} است می‌پردازیم.

محمول در این رویکرد به صورت گروه فعلی فاقد عملگر وجهی یا زمانی ظاهر می‌شود و به جز در موارد حذف (به قرینه)^{۴۳} در همه بندهای اصلی وجود

با توجه به توضیحات فوق، حال باید دید که این نقش‌های گفتاری در قالب چه سازوکار و انتخاب‌هایی از نظام زبانی می‌توانند نمود پیدا کنند. آنچه مسلم است اینکه در فراتقسیم‌بندی، این ساخت وجهی است که نقش اصلی در بازنمایی تعامل را برعهده می‌گیرد. از این روی، در اینجا به مؤلفه‌های بند در ساخت وجهی (در واقع همان انتخاب‌های واژگان‌دستور برای نشان دادن معنای بینافردی) پرداخته خواهد شد.

در فراتقسیم‌بندی، هر بند از دو بخش اصلی یعنی وجه^{۴۱} و مانده^{۴۲} تشکیل می‌شود. وجه برآیندی از فاعل و زمان‌داری (جزء خودایستا)^{۴۳} است. فاعل (که یک گروه اسمی و در این رویکرد همان فاعل دستوری است) رکن اصلی کلام است که اعتبار جمله بر آن استوار است؛ به عبارت دیگر، فاعل، عنصری نقشی است که مسئولیت صدق و کذب گزاره و به عبارت دقیق‌تر مسئولیت‌پذیری بند در ساخت وجهی را برعهده دارد.

زمان‌داری یا جزء خودایستا متشکل از سه عنصر نقشی است: وجه‌نمایی^{۴۴}، زمان اولیه و قطبیت^{۴۵}. زمان اولیه یا اصلی در واقع ارجاع به زمان گوینده است؛ زمان انجام گزاره (گذشته، حال، یا آینده) را نشان می‌دهد. وجه‌نمایی، ارجاع به قضاوت گوینده است؛ نگرش گوینده نسبت به گزاره را بیان می‌کند. قطبیت، به معنای انجام دادن یا ندادن گزاره از سوی فاعل است؛ انتخاب بین گزاره مثبت و منفی را نشان می‌دهد. عنصر وجه‌نما در رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند،

36. indicative
37. imperative
38. declarative
39. interrogative
40. predicator
41. complement
42. adjunct
43. ellipsis

31. mood
32. residue
33. finite
34. modality
35. polarity

تفکیک شدند؛ هر کدام از این چهار سوره مشتمل بر ۱۹ بند است که در مجموع، پیکره کلی پژوهش، مشتمل بر ۷۶ بند می‌شود. سپس با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی ساخت وجهی و تحلیل بینافردی همه این بندها در قالب جداول معینی پرداخته شد. با این حال، در اینجا به دلیل کمبود فضا و محدودیت حجمی و همچنین از آنجا که هدف از بررسی حاضر، تبیین و تفسیر داده‌های کمی حاصل از تجزیه داده‌هاست، صرفاً، به تجزیه ساخت وجهی برخی از بندهای این سوره‌ها از باب نمونه بسنده خواهیم کرد و متعاقباً به بررسی کمی کل پیکره خواهیم پرداخت.

انتخاب این نمونه‌ها به نحوی است که نشانگر شمای کلی ساخت وجهی بندهای پیکره مزبور باشند. برای این منظور، ابتدا هر بند به مؤلفه‌های اصلی تشکیل‌دهنده خود یعنی وجه و مانده و سپس به زیرمؤلفه‌های وجه یعنی فاعل و عنصر زمان‌داری و زیرمؤلفه‌های مانده یعنی محمول، متمم و افزوده تفکیک شدند. مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده عنصر زمان‌داری در هر بند یعنی وجه‌نمایی، زمان اولیه و قطبیت نیز مشخص شدند. لازم به ذکر است که در این پژوهش به بررسی نقش‌های گفتاری آیات پرداخته نخواهد شد.

چند نمونه تحلیل از ساختار وجهی بندهای پیکره

پس از اینکه خداوند متعال، ابلیس را به سجده کردن بر آدم امر فرمودند و ابلیس ممانعت نمود، خداوند دلیل این سرپیچی را از ابلیس سؤال می‌فرماید (اعراف/۱۲)؛ ص/۷۵؛ حجر/۳۲) و ابلیس برتری تبار خود (خلق شدن از آتش) را دلیل این مسأله مطرح می‌کند (اعراف/۱۲؛ ص/۷۶؛ حجر/۳۳؛ اسراء/۶۱)؛

دارد (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۱۵۱). متمم (مشتمل بر مفهوم مفعول و متمم در دستور سنتی) به شکل گروه اسمی ظاهر می‌شود و توان بالقوه برای فاعل شدن را دارد (همان: ۱۵۳). افزوده عنصری است که به صورت گروه قیدی یا گروه حرف اضافه محقق می‌شود و توان بالقوه برای قرار گرفتن در جایگاه فاعل بند را ندارد. در فراتش بینافردی، با افزوده‌های وجهی^{۴۴} سر و کار داریم که خود مشتمل بر دو نوع است: افزوده وجه^{۴۵} و افزوده تفسیری^{۴۶}. افزوده‌های وجه مواردی چون عادت، احتمال، میل، اجبار، زمان‌مندی، شدت و غیره را نشان می‌دهد. افزوده‌های تفسیری، بین وجه و مانده ظاهر می‌شوند و نظر گوینده را در مورد موضوع گفتار بیان می‌کنند (همان: ۱۵۴-۱۵۹).

تجزیه و تحلیل داده‌ها

با توجه به وحدت شبکه‌ای آیات و «اصل سیاق» در قرآن کریم (قائمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۳۷۲-۳۷۳) و همچنین تحصیل نتایج معتبرتر، تمامی گفتگوهای بین خداوند متعال و ابلیس در چهار سوره اعراف، حجر، اسراء و ص (که مجموعاً ۳۶ آیه می‌شود^{۴۷})، به عنوان یک کل در نظر گرفته شد و در گام اول، براساس چهارچوب نظری پژوهش، به طور دقیق به بندهای اصلی خود

44. modal adjunct

45. mood adjunct

46. comment adjunct

۴۷. گفتگوهای بین خداوند متعال و ابلیس در ماجرای سجده بر آدم در سوره اعراف مشتمل بر ۷ آیه (آیات ۱۲ تا ۱۸)، در سوره حجر مشتمل بر ۱۳ آیه (آیات ۳۲ تا ۴۴)، در سوره اسراء مشتمل بر ۵ آیه (آیات ۶۱ تا ۶۵) و در سوره ص مشتمل بر ۱۱ آیه (آیات ۷۵ تا ۸۵) می‌باشد که مجموعاً پیکره‌ای ۳۶ آیه‌ای را تشکیل می‌دهد.

﴿قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ﴾

(ص/۷۶؛ اعراف/۱۲).

«گفت: من از او بهترم مرا از آتشی آفریدی و او

را از گل آفریدی»^{۴۸}.

جدول ۱. ساخت بند اسمی خبری مثبت در فرازمان

أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ: من از او بهترم	وجه	فاعل	
		وجه‌نمایی	خبری
مانده	محمول	زمان‌داری	
		قطبیت	مثبت
افزوده	متمم	زمان	
		فرازمان	
		خیر	
منه (افزوده حاشیه‌ای)		---	

علامه طباطبایی بر این باور است در این جواب خدای تعالی برای اولین بار معصیت شد چون برگشت تمامی معصیت‌ها به دعوی انانیت (خودخواهی) و منازعه با کبریای خدای سبحان است، درحالی‌که کبریا ردایی است که بر اندام کسی جز او شایسته نیست و هیچ مخلوقی را نمی‌رسد که در مقابل انانیت الهی برای خود انانیت قائل شده به ذات خود تکیه زده و «من» بگوید (۱۳۷۴: ۲۹/۸). رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند در تحلیل جملات اسمیه (بندهای اسمی) مانند بند «أَنَا خَيْرٌ» به دلیل عدم وجود عنصر زمان‌دار صوری، مسکوت و ناتمام است؛ زیرا در این رویکرد، زمان اولیه جزئی از عملگر فعلی است، در صورتی که ما در جملات اسمیه در عربی، فعلی نداریم. جمله اسمیه جمله‌ای است که از مبتدا و خبر تشکیل شده است و در اصل برای این وضع شده است که چیزی را برای چیز

دیگر بدون در نظر گرفتن حدوث آن بیان کند؛ مانند «الارض متحرکه»، که از این جمله اثبات حرکت برای زمین فهمیده می‌شود و توجهی به تجدد یا حدوث آن نیست. در علم بلاغت مسأله زمان را برای جمله فعلیه اثبات می‌کنند و جمله اسمیه را خالی از دلالت بر زمان می‌دانند.

از طرفی، برخی معتقدند زمان در این جملات با قرینه لفظی یا معنوی (حال و مقام) فهمیده می‌شود و می‌تواند بر هر سه زمان دلالت داشته باشد (اگرچه می‌توان گفت جملات اسمیه فاقد نواسخ صرفاً بر زمان حال دلالت می‌کنند و شرایط آنها با جمله اسمیه متفاوت است). با این وجود، همان‌طور که خورسندی و مسجدرایی اشاره می‌کنند، در تحلیل این جملات باید این مطلب را در ذهن داشت که جمله اسمیه در اصل وضع خود دلالت بر ثبوت و استمرار نمی‌کند مگر زمانی که خبرش اسم باشد. ولی اگر خبرش فعل باشد معنای تجدد و حدوث در زمان خاصی را می‌رساند (۱۳۸۴: ۵۵-۵۶).

با وجود این، جهت جمع کردن این نگاه‌های متفاوت که هر یک در جای خود درست نیز می‌باشند، می‌توان در تحلیل ساخت وجهی جملات اسمیه از عنصری به نام «فرازمان»^{۴۹} در این موارد می‌توان بهره گرفت که اختصاص به زمان خاصی نداشته باشد. تحلیل فرضی این است که این بند خودایستا^{۵۰} و به لحاظ منطقی دارای وجه خبری و قطبیت مثبت است، اما به لحاظ ظاهری غیر زمان‌دار است. لذا، همان‌طور که در جدول مشاهده می‌کنید، فرازمان، عنصر زمانی این بند تلقی می‌شود (جهت بحث مبسوط و مستدل

۴۸. ترجمه تمامی آیات مورد بحث از ترجمه قرآن استاد فولادوند

است.

49. metatense

50. finite

در این باره، به بازوبندی، ۱۳۹۵: ۱۸۳ رجوع کنید).

خوارشده و رجیم می‌خواند و او را با عتاب تند از درگاه خود خارج و لعنت می‌کند (اعراف/۱۳؛ حجر/۳۴-۳۵؛ ص/۷۷-۷۸). در این زمینه، برای نمونه، به آیات ۳۴ و ۳۵ سوره حجر می‌پردازیم:

﴿قَالَ فَأَخْرَجُ مِنْهَا فَاِنَّكَ رَجِيمٌ* وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ﴾

«فرمود از این [مقام] بیرون شو که تو رانده‌شده‌ای* و تا روز جزا بر تو لعنت باشد».

جدول ۲. ساخت بند خبری مثبت در زمان گذشته

خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ: مرا از آتشی آفریدی	وجه	زمان‌داری	فاعل		ضمیر «ت»
			وجه‌نمایی	خبری	
			قطبیت	مثبت	
مانده	محمول	متمم	محمول		افزوده
			ضمیر «باء»/ «مِنْ نَّارٍ	خَلَقَ	
			افزوده	-----	

جدول ۴. ساخت بند انشائی مثبت

فَأَخْرَجُ مِنْهَا: فرمود از این [مقام] بیرون شو	وجه	زمان‌داری	فاعل		ضمیر مستتر «أنت»
			وجه‌نمایی	انشائی	
			قطبیت	مثبت	
مانده	محمول	متمم	محمول		افزوده
			خَرَجَ	-----	
			افزوده	منها (افزوده حاشیه‌ای)	

در زبان عربی، مصدر فعلی (صورت پایه فعل) به‌عنوان محمول تلقی می‌شود. همچنین، «مِنْ نَّارٍ» در مقام متمم عمل می‌کند نه افزوده، چون تلقی آن به‌عنوان عنصر قیدی یا افزوده و در نتیجه قائل بودن به حذف آن، به‌لحاظ معنایی به جمله خدشه وارد می‌کند. عین تحلیل بالا برای بند عطف بعدی (وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ) نیز صدق می‌کند:

«ف» جزء افزوده‌های پیوندی و عناصر انسجامی محسوب می‌شود؛ در ساختار وجه قرار نمی‌گیرد و معنی متنی دارد.

جدول ۳. ساخت بند خبری مثبت در زمان گذشته

وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ: او را از گل آفریدی	وجه	زمان‌داری	فاعل		ضمیر «ت»
			وجه‌نمایی	خبری	
			قطبیت	مثبت	
مانده	محمول	متمم	محمول		افزوده
			ضمیر «ه»/ «مِنْ طِينٍ	خَلَقَ	
			افزوده	-----	

جدول ۵. ساخت بند خبری اسمی مثبت در فرازمان

فَاِنَّكَ رَجِيمٌ: که تو رانده‌شده‌ای	وجه	زمان‌داری	فاعل		ضمیر «ک»
			وجه‌نمایی	خبری	
			قطبیت	مثبت	
مانده	محمول	متمم	محمول		افزوده
			رَجِيمٌ	-----	
			افزوده	-----	

خداوند در واکنش به چنین پاسخی، شیطان را

جدول ۶. ساخت بند خبری اسمی مثبت در فرازمان

وَأَنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ: و تا روز جزا بر تو لعنت باشد	وجه	زمان داری	وجه‌نمایی	خبری	اللَّعْنَةُ
		زمان	قطبیت	مثبت	
مانده	محمول	عَلَيْكَ	نظر	حال	
		متمم	ضمیر «باء» در أَنْظِرْنِي	وجه‌نمایی	انشائی
		افزوده	إِلَى يَوْمِ الدِّينِ (افزوده حاشیه‌ای)	مثبت	مثبت

جدول ۷. ساخت بند انشائی مثبت

فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ: پس مرا تا روزی که برانگیخته خواهند شد مهلت ده.	وجه	زمان داری	وجه‌نمایی	ضمیر مستتر «أنت»
		زمان	قطبیت	مثبت
مانده	محمول	نظر	نظر	حال
		متمم	ضمیر «باء» در أَنْظِرْنِي	وجه‌نمایی
		افزوده	إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (افزوده حاشیه‌ای)	مثبت

«إِنَّ» افزوده وجه و از نوع تأکیدی است.

همان‌طور که مشاهده می‌کنید، تحلیل فرضی در بندهای اسمی دارای حروف مشبیه بالفعل این است که اسم این حروف، فاعل و خبر آنها به‌عنوان محمول در نظر گرفته می‌شود (ناگفته پیداست که در جملات فعلیه‌ای که به‌عنوان خبر واقع می‌شوند، افزوده‌ها، متمم و فاعل جزئی از محمول به‌حساب نمی‌آید). درواقع، جمله اسمیه جمله‌ای است که مبتدا یا مسندالیه جمله می‌تواند اسم باشد، یا یکی از نواسخ، مانند حروف مشبه بالفعل یا افعال ناقصه می‌تواند بر سر جمله بیاید. در تحلیل جملات اسمیه با احتمالات فراوانی روبرو هستیم که باید در مجال دیگری به‌طور مبسوط به بحث گذاشته شود. اکنون به ادامه گفتگو برگردیم.

شیطان در مقابل این برخورد خداوند متعال، بی‌پاسخ نمانده و از خداوند تا روز برانگیخته شدن (روز قیامت) درخواست مهلت می‌کند (اعراف/۱۴؛ حجر/۳۶؛ اسراء/۶۲؛ ص/۷۹).

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (حجر/۳۶؛ ص/۷۹)؛

«گفت پروردگارا پس مرا تا روزی که برانگیخته خواهند شد مهلت ده».

از آنجا که خداوند صاحب فضل است، به این درخواست شیطان پاسخ مثبت می‌دهد، با این قید که تا زمانی معین «إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» این مهلت را خواهد داد (اعراف/۱۵؛ حجر/۳۸-۳۷؛ ص/۸۱-۸۰). شیطان، نیز در ادامه گفتگو، نهایت عصبانیت تهدید و به عزت خداوند قسم یاد می‌کند که به انحاء مختلف در مسیر اغواء، فریب و ریشه‌کنی فرزندان آدم به‌جز بندگان خالص خدا، از این مهلت استفاده حداکثری را خواهد کرد (اعراف/۱۷-۱۶؛ حجر/۴۰-۳۹؛ ص/۸۱-۸۰)؛ و خداوند نیز در نهایت، با بیان این مطلب که شیطان را بر بندگان تسلطی نیست، سوگند یاد می‌کند که جهنم را از او و پیروانش پر خواهد کرد (اعراف/۱۸؛ حجر/۴۱-۴۴؛ اسراء/۶۳-۶۵؛ ص/۸۴-۸۵). اگرچه در آیات فوق، مخاطب شیطان است و خداوند به‌عنوان یک فرمان تهدیدآمیز به او می‌گوید هر چه از دست ساخته است بکن و با وسایل گوناگون به اغوای فرزندان آدم برخیز، ولی درواقع هشدار است به همه انسان‌ها که راه‌های نفوذ شیطان را دریابند و از تنوع وسایل و سوسه‌های او آگاه شوند (مکارم، ۱۳۷۴: ۱۸۵/۱۲). از طرفی، خدای تبارک‌وتعالی در قبال تهدید شیطان (مبنی بر اینکه گفت: به‌زودی همه آنها را- به‌جز عده‌ای که استثناء کرد- گمراه

جدول ۹. بسامد و درصد کلی زمان وقوع بندها

ردیف	نوع زمان	بسامد زمان در تمام بندها	درصد بسامد زمان
۱	حال	۱۰	۵۲/۶۳٪
۲	گذشته	۷	۳۶/۸۴٪
۳	فرازمان	۲	۱۰/۵۲٪
۴	آینده	۰	۰٪
مجموع		۱۹	۱۰۰٪

می‌کنم و همه این کارها را به حول و قوه و مشیت خود می‌کنم)، پاسخ می‌دهد که تو سخت اشتباه می‌کنی، زیرا غیر از من کسی مستقل نیست و کسی جز من مالک این تصرفات و حاکم در آن نیست. اگر اغواء کنی به اذن من کردی و اگر نتوانی و ممنوع شوی به مشیت من ممنوع شده‌ای و تو از ناحیه خود مالک هیچ چیزی نیستی. تنها مالک و اختیاردار آن اموری هستی که من مالکت کرده‌ام و آنچه من قضایش را رانده باشم و من چنین رانده‌ام که تو نسبت به بندگان من هیچ کار نتوانی بکنی، مگر تنها آنهایی که پیرویت کنند (۱۳۷۴: ۲۴۵/۱۲-۲۴۶).

جدول ۱۰. بسامد و درصد کلی قطبیت بندها

ردیف	نوع قطبیت	بسامد قطبیت در تمام بندها	درصد بسامد قطبیت
۱	مثبت	۱۷	۸۹/۴۷٪
۲	منفی	۲	۱۰/۵۲٪
مجموع		۱۹	۱۰۰٪

بررسی کمی داده‌های پیکره

در این بخش، برای کل پیکره ۷۶ بندی، مطابق با جدول‌های زیر، بسامد و درصد کلی انواع وجه، زمان وقوع و قطبیت در بندها ارائه می‌گردد (نخست، آمار مربوط به هر یک از سوره‌ها به صورت مجزا و سپس آمار کل پیکره به صورت یکجا ذکر می‌شود).

۲. آمار مربوط به گفتگوی بین خداوند و ابلیس در

سوره حجر

۱. آمار مربوط به گفتگوی بین خداوند و ابلیس در سوره

اعراف

جدول ۱۱. بسامد و درصد کلی انواع وجه

ردیف	نوع وجه	بسامد وجه در تمام بندها	درصد بسامد وجه
۱	خبری	۱۳	۶۸/۴۲٪
۲	پریشی	۱	۵/۲۶٪
	امری	۲	۱۰/۵۲٪
	غیر طلبی	۳	۱۵/۷۸٪
مجموع		۱۹	۱۰۰٪

جدول ۸. بسامد و درصد کلی انواع وجه

ردیف	نوع وجه	بسامد وجه در تمام بندها	درصد بسامد وجه
۱	خبری	۱۱	۵۷/۸۹٪
۲	پریشی	۱	۵/۲۶٪
	امری	۳	۱۵/۷۸٪
	غیر طلبی	۴	۲۱/۰۵٪
مجموع		۱۹	۱۰۰٪

جدول ۱۲. بسامد و درصد کلی زمان وقوع بندها

ردیف	نوع زمان	بسامد زمان در تمام بندها	درصد بسامد زمان
۱	حال	۸	%۴۲/۱۰
۲	گذشته	۳	%۱۵/۷۸
۳	فرازمان	۸	%۴۲/۱۰
۴	آینده	۰	%۰
مجموع		۱۹	%۱۰۰

جدول ۱۵. بسامد و درصد کلی زمان وقوع بندها

ردیف	نوع زمان	بسامد زمان در تمام بندها	درصد بسامد زمان
۱	حال	۱۲	%۶۳/۱۵
۲	گذشته	۵	%۲۶/۳۱
۳	فرازمان	۲	%۱۰/۵۲
۴	آینده	۰	%۰
مجموع		۱۹	%۱۰۰

جدول ۱۳. بسامد و درصد کلی قطبیت بندها

ردیف	نوع قطبیت	بسامد قطبیت در تمام بندها	درصد بسامد قطبیت
۱	مثبت	۱۶	%۸۴/۲۱
۲	منفی	۳	%۱۵/۷۸
مجموع		۱۹	%۱۰۰

جدول ۱۶. بسامد و درصد کلی قطبیت بندها

ردیف	نوع قطبیت	بسامد قطبیت در تمام بندها	درصد بسامد قطبیت
۱	مثبت	۱۷	%۸۹/۴۷
۲	منفی	۲	%۱۰/۵۲
مجموع		۱۹	%۱۰۰

۳. آمار مربوط به گفتگوی بین خداوند و ابلیس در

سوره اسراء

جدول ۱۴. بسامد و درصد کلی انواع وجه

ردیف	نوع وجه	بسامد وجه در تمام بندها	درصد بسامد وجه
۱	خبری	۸	%۴۲/۱۰
۲	پرسشی	۱	%۵/۲۶
	امری	۷	%۳۶/۸۴
	غیر طلبی	۳	%۱۵/۷۸
مجموع		۱۹	%۱۰۰

۴. آمار مربوط به گفتگوی بین خداوند و ابلیس در

سوره ص

جدول ۱۷. بسامد و درصد کلی انواع وجه

ردیف	نوع وجه	بسامد وجه در تمام بندها	درصد بسامد وجه
۱	خبری	۱۲	%۶۳/۱۵
۲	پرسشی	۳	%۱۵/۷۸
	امری	۲	%۱۰/۵۲
	غیر طلبی	۲	%۱۰/۵۲
مجموع		۱۹	%۱۰۰

۲	انشائی	پرسه شی	۶	٪۷/۸۹
		امری	۱۴	٪۱۸/۴۲
		غیر طلبی	۱۲	٪۱۵/۷۸
مجموع			۷۶	٪۱۰۰

جدول ۲۱. بسامد و درصد کلی زمان بندها کل پیکره

ردیف	نوع زمان	بسامد زمان در تمام بندها	درصد بسامد زمان
۱	حال	۳۶	٪۴۷/۳۶
۲	گذشته	۲۳	٪۳۰/۲۶
۳	فرازمان	۱۷	٪۲۲/۳۶
۴	آینده	۰	٪۰
مجموع		۷۶	٪۱۰۰

جدول ۲۲. بسامد و درصد کلی قطبیت در کل پیکره

ردیف	نوع قطبیت	بسامد قطبیت در تمام بندها	درصد بسامد قطبیت
۱	مثبت	۶۸	٪۸۹/۴۸
۲	منفی	۸	٪۱۰/۵۲
مجموع		۷۶	٪۱۰۰

تفسیر و تبیین داده‌ها

پرواضح است که همه این اعداد و ارقام، داده‌هایی خام هستند. فلذا، آنچه بیش از همه درخور توجه است و می‌تواند به این گفتگوها هویتی خاص ببخشد، تفسیر و تبیین بسامدهای به‌دست‌آمده از داده‌های پیکره است که حکایت از دستاوردهای پژوهش می‌کند. در اینجا،

جدول ۱۸. بسامد و درصد کلی زمان وقوع بندها

ردیف	نوع زمان	بسامد زمان در تمام بندها	درصد بسامد زمان
۱	حال	۶	٪۳۱/۵۷
۲	گذشته	۸	٪۴۲/۱۰
۳	فرازمان	۵	٪۲۶/۳۱
۴	آینده	۰	٪۰
مجموع		۱۹	٪۱۰۰

جدول ۱۹. بسامد و درصد کلی قطبیت بندها

ردیف	نوع قطبیت	بسامد قطبیت در تمام بندها	درصد بسامد قطبیت
۱	مثبت	۱۸	٪۹۴/۷۳
۲	منفی	۱	٪۵/۲۶
مجموع		۱۹	٪۱۰۰

با توجه به آماری که در ۱۲ جدول فوق آمده است، اینک آمار کلی مربوط به کل پیکره در جدول‌های زیر خواهد آمد:

۵. آمار مربوط به گفتگوی بین خداوند و ابلیس در کل پیکره پژوهش

جدول ۲۰. بسامد و درصد کلی وجه در کل پیکره

ردیف	نوع وجه	بسامد وجه در تمام بندها	درصد بسامد وجه
۱	خبری	۴۴	٪۵۷/۸۹

خبری، انتخاب‌های خود را صورت داده‌اند. با وجود این، سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که اساساً بسامد بیشتر وجه خبری نسبت به وجه انشائی را چگونه می‌توان تبیین و تفسیر کرد.

فتوحی در این باره می‌گوید: «کاربرد وجه خبری برای بیان خبر یا دادن اطلاعات است که بسامد بالای آن نشان‌دهنده ارتباط نزدیک گوینده با رخدادهاست» (۱۳۹۰: ۲۸۷). بر این اساس می‌توان گفت که آیات سوره‌های مورد بحث، به صورت گزارشی است از داستان سجده نکردن بر آدم که بخش عمده آن در بردارنده اخباری است که راوی اصلی و حقیقی به صورت مستقیم آن را ابراز کرده یا از زبان شیطان نقل کرده است. به عبارتی، این گزارش نه تنها از کارکرد اصلی وجه خبری (ارائه اطلاعات)، به خوبی برای ایجاد تعامل بهره برده است، بلکه در جهت تأثیرگذاری بیشتر به ایجاد ارتباط نزدیک بین خود و رخدادهای نیز اقدام کرده است. مع ذلک، ما در اینجا به این تفسیر از بسامد غالب برای وجه خبری اکتفا نمی‌کنیم و با استفاده از تبیین‌های زبان‌شناختی دیگر نظریه‌ها و مکاتب عمده زبان‌شناختی به تبیین و تفسیر بسامد بیشتر وجه خبری نسبت به وجه انشائی می‌پردازیم.

نگارنده سطور حاضر، بر این باور است که نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر در مورد وجه با مطالعات پیرامون مفاهیم جهانی مقوله اعلا/سرنمون^{۵۱} و نشان‌داری همسوست. رُش و همکارانش در دهه ۱۹۷۰ با تردید در مورد نگاه سنتی به مقوله‌بندی به یافته‌های جدیدی در مورد مقوله‌بندی دست یافتند و

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل کمی داده‌ها، سعی خواهیم کرد به مهم‌ترین نکات در تبیین این نتایج به ترتیب در مورد بسامد وجه، زمان‌داری و قطبیت اشاره کنیم.

۱. تفسیر نتایج حاصل از بسامد وجه

با توجه به تحلیل کمی داده‌ها، طبق جدول ۲۰، در کل پیکره، بسامد وجوه عبارت‌اند از:

۱. وجه خبری: ۵۷/۸۹ درصد، ۲. وجه انشائی: ۴۲/۱۱ درصد که سهم هر یک از وجوه پرسشی، امری و غیر طلبی به ترتیب ۷/۸۹ درصد، ۱۸/۴۲ درصد و ۱۵/۷۸ می‌باشد.

همان‌طور که می‌دانید، اگرچه خداوند به عنوان نازل‌کننده قرآن، به نوعی راوی حقیقی همه این گفتگوهای قرآنی است ولی انتخاب‌های معنایی و به تبع آن ابزارهای واژگان دستوری مورد استفاده خداوند از نظام زبانی در جریان نقل این گفتگوها به نحوی است که به هیچ وجه، گفتگو را یک‌سویه و یک‌طرفه به پیش نبرده است؛ تمامی نوبت‌گیری‌ها به شکلی است که گفتگو و تعامل به‌دوراز ملال و کسالت به پیش برده می‌شود و هریک از طرفین با به خدمت گرفتن وجه خبری و انشائی و استفاده از نقش‌های گفتاری متناسب، به شکل‌گیری اهداف داستان، معناداری گفتگوها و ساخت متن کمک می‌کنند.

در تمامی این گفتگوها، همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، خداوند قادر قهار و همچنین ابلیس هر کدام به تناسب بافت موقعیتی و سیاق آیات مربوط و همچنین به تناسب قدرت و موقعیتی که در اختیار دارند از میان امکانات زبانی وجه‌نمایی در قالب وجه انشائی و

51. Prototype

در همین راستا، با توجه به توضیحات فوق، می‌توان گفت که نتایج پژوهش حاضر نیز با نتایج مزبور همسوست: بسامد بیشتر وجه خبری نسبت به وجه انشائی در داده‌های پیکره پژوهش حاضر به این دلیل است که هر دو طرف گفتگو درصدد اثبات حقانیت خود و تأثیرپذیری بیشتر هستند و لذا از قطعی‌ترین وجه یعنی وجه خبری بیشتر استفاده می‌کنند که به مقوله اعلائی فعل نزدیک‌تر است.

به‌علاوه، همان‌طور که اشاره شد، نتایج پژوهش حاضر با مفهوم نشان‌داری و سلسله‌مراتب نشان‌داری گرینبرگ نیز همسوست. مفهوم نشان‌داری ابتدا در قرن بیستم در مکتب پراگ توسط تروبتسکوی (۱۹۳۹) و در حوزه واج‌شناسی به کار گرفته شد و آنگاه با راه یافتن به دیگر حوزه‌های زبان‌شناسی، مفهوم اولیه آن دستخوش تغییر گشته، مفاهیم جدیدی به نشان‌داری اولیه افزوده شد (هایمن، ۱۳۶۸: ۲۲۴).

مفهوم نشان‌داری، در مطالعات رده‌شناسان، با مطالعه جهانی‌های زبانی نضج گرفت. این مفهوم به عدم تقارن در ساخت‌ها، قواعد و مختصات زبانی اشاره می‌کند؛ به‌طوری که برخی نشان‌دار و برخی بی‌نشان هستند. گرینبرگ با الهام از آراء یاکوبسن و یلمزلف، یک ویژگی یگانه برای مفهوم نشان‌داری پیدا کرد که در تمام سطوح زبان و همچنین در زبان‌های مختلف، شکل‌های گوناگون به خود بگیرد (غلامی، ۱۳۸۹: ۲۱۰-۲۰۸). همین رویکرد بود که به مطرح‌شدن همگانی‌های تلویحی^{۵۲} و جهانی‌های زبانی انجامید. گرینبرگ با بررسی مشخصه‌های

معرفی نظریه سرنمون پیشگام بودند. سرنمون بازنمودی ذهنی و تا حدودی انتزاعی است که شامل ویژگی‌هایی می‌شود که یک مقوله را به‌نحو مطلوب نشان می‌دهد. در واقع، سرنمون طرحی از مهم‌ترین و مرکزی‌ترین ویژگی‌هایی است که اعضای یک مقوله با خود دارند. بعدها زبان‌شناسان شناختی استدلال کردند که نظریه سرنمون دارای واقعیت روان‌شناختی است و این طرح تقریباً انتزاعی باید نمونه واقعی در جهان قابل تجربه داشته باشد و این نمونه را نمونه اعلاء یا سرنمون مقوله‌ای خاص در نظر گرفتند (راسخ‌مهند: ۱۳۸۹: ۷۹). برای نمونه، شریفی‌مقدم (۱۳۸۷: ۱۴۸) با بررسی فعل‌های زبان فارسی بر اساس معیارهای معنایی و صرفی - نحوی به این نتیجه دست می‌یابد که فعل در وجه اخباری، در مقایسه با وجوه دیگر، به دلیل قاطعیت در فعل، به مقوله اعلائی خود نزدیک‌تر است. در زبان فارسی قاطعیت/ احتمال در فعل توسط عنصر صرفی وجه از طریق سه نوع وجه اخباری، التزامی و امری بیان می‌شود که در این میان قاطع‌ترین مفهوم توسط وجه اخباری بیان می‌شود. در بین وجوه، تنها وجه اخباری وقوع عمل را با قطعیت کامل بیان می‌کند. در این وجه، فعل به یقین انجام گرفته و تأثیرپذیری در عمل قطعی است. به عبارت دیگر، فعل به مفهوم عمل نزدیک‌تر است، در حالی که در سایر وجوه، وقوع فعل قطعی نبوده و هنوز با انجام عمل فاصله دارد. بنابراین، از سه وجه زبان فارسی، وجه اخباری به دلیل ویژگی‌های «تأثیرپذیری» و «قاطعیت در عمل»، نسبت به دو وجه دیگر (التزامی و امری) به‌لحاظ معنایی به نمونه اعلائی خود نزدیک‌تر است (شریفی‌مقدم، ۱۳۸۵: ۱۳۲).

52. implicational universals

همپوشی بین برخی از معیارها، آنها را به سه معیار تقلیل داد. این معیارها عبارت‌اند از: معیار ساختاری^{۵۳}، معیار رفتاری^{۵۴} و بسامد کاربرد. مسلماً بررسی دو معیار نخست مطالعه گسترده و مجزایی را می‌طلبد و از حوصله بحث خارج است، ولی می‌توان از معیار سوم در تبیین داده‌های پژوهش حاضر استفاده کرد.

در تعریف معیار بسامد کاربرد یا وقوع چنین آمده است: «اگر نمونه‌های ارزش‌نشان‌دار از یک مقوله، دارای بسامد مشخصی در یک متن باشد، آنگاه نمونه‌های ارزش‌بی‌نشان نیز دست‌کم دارای همان بسامد در آن متن است». لذا، طبق این تعریف، ارزش‌نشان‌دار نمی‌تواند از رخداد بالاتری در مقایسه با ارزش‌بی‌نشان برخوردار باشد. به بیان دیگر، ارزش‌نشان‌دار، یا بسامدی کمتر از ارزش‌بی‌نشان دارد یا برابر با ارزش‌بی‌نشان (غلامی، ۱۳۸۹: ۲۱۳).

با این توضیح، براساس معیار بسامد کاربرد، در کل پیکره، وجه خبری به‌دلیل بالاترین بسامد، از وجه شرطی که خود زیرمجموعه وجه انشائی است، بی‌نشان‌تر محسوب می‌شود. در زیرمجموعه وجه انشائی به ترتیب وجه غیرطلبی (که شامل وجه شرطی نیز می‌شود)، امری و پرسشی در سلسله‌مراتب نشان‌داری قرار می‌گیرند. لذا، وجه خبری بی‌نشان‌ترین وجه و وجه پرسشی نشان‌دارترین وجه محسوب می‌شود. مجموعه وجوه غیرطلبی و امری

واجبی و صرفی-نحوی سیزده معیار را مطرح کرد که براساس این معیارها می‌توان مقوله بی‌نشان را برگزید (گرینبرگ، ۱۹۶۶: ۱۱-۳۳).

وی (همان)، براساس معیارهای یادشده، مشخصه‌های صرفی-نحوی ۴۵ زبان را مطالعه کرد و سلسله‌مراتب مشخصی را برای مقوله‌های مختلف ارائه کرد. آنچه مربوط به بحث حاضر می‌شود مبحث مشخصه‌های صرفی-نحوی فعل شامل قطبیت، وجه و زمان است که در سلسله‌مراتب گرینبرگ به‌صورت ذیل آمده‌اند:

قطبیت (فعل، جمله): مثبت < منفی؛

وجه (فعل): وجه اخباری < وجه شرطی؛

زمان (فعل): حال < گذشته < آینده

این سلسله‌مراتب نشان می‌دهد که برای نمونه از لحاظ وجه، فعل دارای وجه اخباری، بی‌نشان‌تر از وجه شرطی است. آمار حاصل از پیکره پژوهش حاضر نیز مطابق با الگوی نشان‌داری وجه گرینبرگ است. در عربی، وجه شرطی را به تسامح می‌توان به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از وجه انشائی محسوب کرد و همان‌طور که دیدیم طبق آمار، بسامد وجه انشائی به‌مراتب کمتر از بسامد وجه خبری است و نتیجتاً نشان‌دارتر است.

همان‌طور که ملاحظه شد، معیاری که در اینجا برای تبیین داده‌ها به کار گرفته شد در ارتباط تنگاتنگ با بسامد است که زبان‌شناسان مطرح دیگری نیز آن را مورد تأکید قرار داده‌اند. برای مثال، کرافت (۲۰۰۳) به بررسی نشان‌داری و معیارهای عنوان‌شده از سوی گرینبرگ پرداخت و به‌دلیل وجود

53. Structural criterion

54. Behavioural criterion

گذشته و فرازمان بین این دو طیف قرار می‌گیرند. سلسله‌مراتب ذیل این الگوی نشان‌داری را نشان می‌دهد:

زمان (فعل): حال < گذشته < فرازمان < آینده

۳. تفسیر و تبیین نتایج حاصل از بسامد قطبیت طبق جدول ۲۲، در کل پیکره، قطبیت بندها به ترتیب ۸۹/۴۸ درصد مثبت و ۱۰/۵۲ درصد منفی می‌باشد. براساس این نتایج، درصد استفاده از بندهای مثبت نسبت به بندهای منفی بسیار بیشتر است و اصلاً قابل قیاس نیست. اما، همان‌طور که قبلاً ذکر شد قطبیت که به مفهوم نفی و اثبات در بند دلالت دارد، یکی دیگر از ویژگی‌های تصریفی فعل است که الگوی نشان‌داری آن در سلسله‌مراتب گرینبرگ آمده است. نتایج پژوهش حاضر با مفهوم نشان‌داری گرینبرگ و معیار بسامد کاربرد کرافت نیز کاملاً همسوست. فلذا براساس معیار بسامد کاربرد، بندهای مثبت به دلیل بسامد بسیار زیاد، بی‌نشان و بندهای منفی به دلیل بسامد پایین، نشان‌دار هستند. الگوی ذیل که مربوط به داده‌های پیکره پژوهش حاضر است، در واقع همان سلسله‌مراتب نشان‌داری گرینبرگ در مورد قطبیت را نشان می‌دهد:

قطبیت (بند): مثبت < منفی؛

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، در راستای کارکردی دوگانه، نخست در چهارچوب دستور نقشگرای نظام‌مند هلیدی و متیسن (۲۰۱۴) به بررسی ساخت وجهی در چهار

نیز بین این دو قرار می‌گیرند. سلسله‌مراتب ذیل این الگوی نشان‌داری را در پیکره پژوهش نشان می‌دهد: وجه: خبری < انشائی (غیرطلبی) < امری < پرسشی)

۲. تفسیر نتایج حاصل از بسامد زمان

جدول ۲۱، بیانگر این مطلب است که در بخش اول پیکره، از نقطه نظر زمان، ۴۷/۳۶ درصد بندها متعلق به زمان حال، ۳۰/۲۶ درصد بندها متعلق به زمان گذشته و ۲۲/۳۶ درصد بندها متعلق به فرازمان هستند. هیچ بندی در زمان آینده رخ نداده است. نتایج حاصل از تحلیل کمی داده‌ها حاکی از این است که درصد استفاده از بندهای زمان حال، گذشته و فرازمان تقریباً به یک نسبت متوازن توزیع گشته است. این امر را شاید بتوان این‌گونه تبیین کرد که اصل گفتگو، معمولاً در مورد رویدادهای تاریخی و داستانی حتی اگر در زمان گذشته رخ داده باشد، به زمان حال بیان می‌شود.

از طرفی، نتایج پژوهش حاضر در مورد زمان‌داری نیز می‌تواند با مفهوم نشان‌داری و معیار بسامد کاربرد کرافت همسو باشد. از این رو، طبق داده‌های کل پیکره، براساس معیار بسامد کاربرد، زمان آینده نشان‌دارترین زمان است چون از بسامد وقوع کمتری نسبت به دیگر زمان‌ها برخوردار است و زمان حال به دلیل بیشترین بسامد وقوع، بی‌نشان‌ترین زمان در داده‌های موجود محسوب می‌شود؛^{۵۵} زمان

۵۵. پرواضح است که اگر به رسم متعارف، زمان بندهای فرازمان را نیز ذیل زمان حال در نظر می‌گرفتیم این نتیجه و سلسله‌مراتب مربوط با قوت بیشتری نیز می‌توانست مطرح باشد.

هر دو طرف گفتگو درصدد اثبات حقانیت خود و تأثیرپذیری بیشتر هستند و لذا از قطعی‌ترین وجه یعنی وجه خبری که به مقوله اعلائی فعل نزدیک‌تر است بیشتر استفاده می‌کنند. همچنین، سلسله‌مراتب و الگوی نشان‌داری وجه گریزگرگ (۱۹۶۶) نشان می‌دهد که برای نمونه از لحاظ وجه، فعل دارای وجه اخباری، بی‌نشان‌تر از وجه شرطی است؛ و از آنجایی که طبق معیار بسامد کاربرد کرافت (۲۰۰۳)، بسامد کمتر به معنای نشان‌دارتر بودن است، بسامد آمار حاصل از پیکره پژوهش حاضر با چنین معیاری نیز مطابق است. فلذا، براساس معیار بسامد کاربرد، وجه خبری، در کل پیکره، به دلیل بالاترین بسامد، از وجه شرطی که خود زیرمجموعه وجه انشائی است، بی‌نشان‌تر محسوب می‌شود؛ وجه خبری بی‌نشان‌ترین وجه و وجه پرسشی نشان‌دارترین وجه محسوب می‌شود. سلسله‌مراتب ذیل این الگوی نشان‌داری را در پیکره پژوهش نشان می‌دهد:

وجه: خبری < انشائی (غیرطلبی) < امری < پرسشی.

۳. از نقطه‌نظر زمان، درصد توزیع زمان حال (۴۷/۳۶٪) نسبت به زمان گذشته (۳۰/۲۶٪) و فرازمان (۲۲/۳۶٪) در کل پیکره، نشان می‌دهد که متن قرآن کریم برای نقل داستانی که ظاهراً در گذشته رخ داده است، طوری مخاطب را در زمان حال قرار می‌دهد که انگار هر لحظه این داستان، تازه و نو و در حال تکرار شدن است. ناگفته نماند که این کار با استفاده از کاربرد وجه خبری جهت ایجاد ارتباط بین گوینده و رخدادها راحت‌تر عملی شده است. این نتایج همچنین می‌تواند با مفهوم نشان‌داری و معیار

سوره اعراف، حجر، اسراء و ص پرداخته شد و سپس به‌منظور تبیین و تفسیر نتایج حاصل از این تحلیل نقش‌گرا، با استفاده از مفهوم شناختی نمونه اعلا یا سرنمون‌رُش (۱۹۷۸)، سلسله‌مراتب نشان‌داری گریزگرگ (۱۹۶۶) و معیار بسامد کاربرد کرافت (۲۰۰۳) تبیینی شناختی و رده‌شناختی ارائه شد. پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، ضمن تأیید هر دو فرضیه پژوهش، نتایج ذیل قابل بیان است:

۱. از نظر وجه‌نمایی، بسامد غالب وجه خبری (۵۷/۸۹٪) در مقابل وجه انشائی (۴۲/۱۱٪) در کل پیکره، عمدتاً نشانگر این است که آیات سوره‌های مورد بحث، به‌صورت گزارشی است از داستان سجده نکردن بر آدم که بخش عمده آن دربردارنده اخباری است که راوی اصلی و حقیقی به‌صورت مستقیم آن را ابراز کرده یا از زبان شیطان نقل کرده است. به عبارتی، این گزارش نه‌تنها از کارکرد اصلی وجه خبری (ارائه اطلاعات) به‌خوبی برای ایجاد تعامل بهره برده است، بلکه در جهت تأثیرگذاری بیشتر، کارکرد دیگر وجه خبری یعنی ایجاد ارتباط نزدیک بین گوینده و رخدادها را نیز به خدمت گرفته است.

۲. نتایج به‌دست‌آمده در مورد وجه‌نمایی با مطالعات پیرامون مفاهیم جهانی مقوله اعلا/سرنمون نشان‌داری نیز همسوست. وجه اخباری به دلیل ویژگی‌های «تأثیرپذیری» و «قاطعیت در عمل»، نسبت به وجوه دیگر به‌لحاظ معنایی به نمونه اعلائی خود نزدیک‌تر است. در نتیجه می‌توان چنین گفت که بسامد بیشتر وجه خبری نسبت به وجه انشائی در داده‌های پیکره پژوهش حاضر به این دلیل است که

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، خداوند قادر قهار و همچنین ابلیس هر کدام به تناسب بافت موقعیتی و سیاق آیات مربوط و همچنین به تناسب قدرت و موقعیتی که داشته‌اند از میان امکانات زبانی وجه‌نمایی، انتخاب‌های خود را صورت داده‌اند.

۶. در یک جمع‌بندی کلی و براساس نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها می‌توان چنین ابراز داشت که تحلیل ساخت وجهی پیکره، ضمن ایجاد زمینه درک بهتر خواننده از گفتگوهای قرآنی مزبور و کمک به تفسیر منسجم‌تر آیات شریفه، حاکی از این است که شیوه ارتباطی خاصی که قرآن در جریان گفتگوی خداوند متعال و ابلیس از طریق فرانش یا معنای بینافردی به کار برده است، مطابق با همان شیوه‌های ارتباطی رایجی است که در زبان‌های زنده دنیا به خدمت گرفته می‌شود. الگوهای نشان‌داری فوق نشان می‌دهد که زبان قرآن، دست‌کم، در همین مؤلفه‌های اصلی تشکیل‌دهنده ساخت وجهی (زمان اولیه، وجه‌نمایی و قطبیت)، طبق نمونه مورد بحث، نماینده یک زبان ساده و غیرادبی است (که با بررسی نمونه‌های بیشتر، این شاخص می‌تواند قابل‌تعمیم به کل متن قرآن باشد. لازم به ذکر است که نگارنده سطور حاضر در پژوهش در دست اقدام دیگری، با بررسی نمونه‌های قرآنی دیگر درصدد تعمیم نتایج حاصل از چنین تحلیلی است). فلذا، در تحلیل زبان قرآن همان‌طور که قائمی‌نیا (۱۳۸۹: ۱۴۹) نیز اشاره می‌کند باید به قوانین زبان بشر توجه کرد؛ در واقع، قرآن در همین معنا (و نه در معانی دیگر)، متنی بشری است.

بسامد کاربرد کرافت همسو باشد. سلسله‌مراتب ذیل این الگوی نشان‌داری را نشان می‌دهد:

زمان (فعل): حال < گذشته < فرازمان < آینده.

۴. بسامد غالب بندهای با قطبیت مثبت (۸۹/۴۸٪) در مقابل قطبیت منفی (۱۰/۵۲٪) نیز با مفهوم نشان‌داری گرینبرگ و معیار بسامد کاربرد کرافت کاملاً همسوست؛ الگوی ذیل، سلسله‌مراتب نشان‌داری گرینبرگ در مورد قطبیت داده‌های پیکره است:

قطبیت (بند): مثبت < منفی

۵. از نتایج فوق چنین برمی‌آید که قرآن کریم در مقام متنی گفتاری و نوعی اظهار که از دو جهت لفظ و معنا ساختاری و حیانی دارد (و صرفاً کلام خداست)، برای بیان اهداف خود به تناسب بافت موقعیتی و سیاق آیات از انتخاب‌های معنایی و واژگان‌دستوری خاصی استفاده کرده است. به بیان دیگر، اگرچه خداوند به‌عنوان نازل‌کننده قرآن، به نوعی راوی حقیقی همه این گفتگوهای قرآنی است ولی انتخاب‌های معنایی و به تبع آن ابزارهای واژگان‌دستوری مورد استفاده خداوند از نظام زبانی در جریان نقل این گفتگوها به نحوی است که به هیچ وجه، گفتگو را یک‌سویه و یک‌طرفه به پیش نبرده است؛ تمامی نوبت‌گیری‌ها به‌شکلی است که گفتگو و تعامل به‌دوراز ملال و کسالت به‌پیش برده می‌شود و هریک از طرفین با به خدمت گرفتن وجه خبری و انشائی و استفاده از نقش‌های گفتاری متناسب، به شکل‌گیری اهداف داستان، معناداری گفتگوها و ساخت متن کمک می‌کنند. در تمامی این گفتگوها،

- تهران: انتشارات سمت.
- حجتی، سیدمحمد باقر حجتی (۱۳۸۸). پژوهشی در تاریخ قرآن کریم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حر عاملی، محمد حسن (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعه. نشر مؤسسه آل البیت لاحیاء التراثة الطبعة الاولى.
- خورسندی، محمود؛ مسجدرایی، حمید (۱۳۸۴). جواهر البلاغه. قم: نشر حقوق اسلامی.
- خوشمنش، ابوالفضل (۱۳۸۸). حمل قرآن: پژوهشی در روش‌شناسی تعلیم و تحفیظ قرآن مجید. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۳). زبان‌شناسی نظری. (ویراست دوم). تهران: انتشارات سمت.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۹). در آمدی بر زبان‌شناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم. تهران: انتشارات سمت.
- رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۸). «قرآن و زبان رمزی و تأویلی». پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم. شماره ۵. ۱۵۸-۱۳۷.
- السامرائی، فاضل صالح (۱۴۲۰ ق). معانی النحو. جزء الثانی. اردن: دارالفکر لطباعة والتوزیع والنشر.
- سعیدی روشن، محمدباقر (۱۳۸۳). تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- سعیدی روشن، محمدباقر (۱۳۸۹). زبان قرآن و مسائل آن. تهران: انتشارات سمت.
۷. از عمده نتایج این پژوهش این است که به‌کارگیری صرف یک نظریه زبانی در چهارچوب یک مکتب زبان‌شناسی معین، به‌خودی‌خود شاید نتواند آن‌چنان نتایج گویا و روشنگری به‌دست دهد تا به‌کارگیری چند رویکرد متعدد (از دیگر مکاتب عمده زبان‌شناسی) در آن واحد. این پژوهش با به‌کارگیری تحلیلی نقشگرا در کنار مختصر تبیینی شناختی و رده‌شناختی در آن واحد در قلمرو سه مکتب کلان زبان‌شناسی به بحث و تتبع پرداخته است. نتایج چنین پژوهش‌هایی به نظر می‌رسد بسیار روشن‌تر، دقیق‌تر و معتبرتر باشد.
- منابع
- آگاهی، معصومه؛ فقهی‌زاده، عبدالهادی (۱۳۹۴). «مظاهر اخلاقی بودن زبان مخاطب در قرآن». پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن. شماره ۷. ۱۳۰-۱۰۷.
- بازوبندی، حسین (۱۳۹۵). بررسی شیوه تبادل معنا در قرآن کریم از منظر فراتقش بینافردی. رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه علامه طباطبایی. تهران.
- بازوبندی، حسین؛ صحرائی، رضامراد (۱۳۹۴). «تحلیل فراتقش بینافردی در نص و نقش آن در ترجمه قرآن». مطالعات ترجمه قرآن‌وحدیث. دوره ۲. شماره ۳. ۲۵-۱.
- بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۹۲). تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول): مبانی، اصول، قواعد و فواید.

- شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۰). «جستاری در زبان قرآن». ویژه‌نامه علمی-پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان. دوره دوم. شماره ۲۴ و ۲۵. ۱۲۲-۱۰۹.
- الشرتونی، رشید (۱۳۸۶). *مبادی العربیة*. جلد چهارم. قم: حقوق اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه.
- علی دوست، ابوالقاسم؛ قائمی‌نیا، علیرضا؛ رفیعی، محمدحسین (۱۳۹۲). «تحلیل همسانی زبان قرآن و قوم و پی‌آمدهای آن». *مجله ذهن*. شماره ۵۴. ۳۸-۵.
- قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۸۹). *بیولوژی نص: نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۹۰). *معناشناسی شناختی قرآن*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قهرمانی‌زاد، سجاد، (۱۳۸۹). *نقش مرجع ضمیر و کاربرد آن در علم نحو*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید بهشتی.
- کریمی‌نیا، محمدمهدی (۱۳۸۳). «گفت‌وگو در قرآن کریم». *رواق اندیشه*. شماره ۲۹. ۱۰۵-۸۶.
- گنابادی، سلطان محمد (۱۳۷۲). *بیان السعادة فی مقامات العبادة*. ترجمه رضا خانی و حشمت‌الله ریاضی. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام‌نور.
- لسانی فشارکی، محمدعلی (۱۳۷۹). *گزارش نهایی طرح پژوهشی آموزش زبان قرآن کریم*. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- مانفردی، مارینا (۱۳۹۴). *ترجمه متن و یافت غیر زبانی: مطالعات ترجمه و زبان‌شناسی نقش-گرای نظام‌مند*. ترجمه آریتا افراشی. تهران: نشر قطره.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۳). *علوم قرآنی*. قم: مؤسسه فرهنگی تمهید.
- هایمن، ام. هایمن (۱۳۶۸). *نظام آوایی زبان*. ترجمه یدالله ثمره. تهران: فرهنگ معاصر.
- یول، جورج (۱۳۸۹). *کاربردشناسی زبان*. ترجمه محمد عموزاده مهدرجی و منوچهر توانگر. تهران: سمت.
- Crystal, David (2008). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics* (Sixth Edition). Blackwell Publishing.
- Eggins, S. (2004). *An Introduction to Systemic Functional Grammar*. New York: Continuum.
- Halliday, M.A.K. (1985). *An Introduction to Functional Grammar*. Edward Arnold Ltd.
- Halliday, M.A.K. (1994). *An Introduction to Functional Grammar*. Second ed. London, Melbourne and Auckland: Arnold.
- Halliday, M.A.K. (2002). *On Grammar*. Volume 1 of *The collected works of M.A.K. Halliday* edited by Jonathan J. Webster. London & New York: Continuum.

- Halliday, M.A.K. (2003). *On language and linguistics*. Continuum.
- Halliday, M.A.K. and Matthiesson C.M.I.M (2004). *An Introduction to Functional Grammar*. Third ed. London: Oxford.
- Halliday, M.A.K. and Matthiesson C.M.I.M (2014). *Halliday's Introduction to Functional Grammar*, 4th Ed. London: Routledge.
- Rosch, E. (1978). Principles of categorization. In: **E. Rosch, & B. B. Lloyd (Eds.)**, *Cognition and categorization* (pp. 28-49). Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Ryding C. Karin. (2005). *A Reference Grammar of Modern Standard Arabic*. Cambridge University Press.
- Searle, John R. (1969). *Speech Acts: an Essay in the Philosophy of Language*. Cambridge University Press. Cambridge.
- Thompson, Geoff. (2004). *Introducing Functional Grammar*, second ed. New York: Arnold.
- Thompson, Geoff. (2014). *Introducing Functional Grammar*, third ed. London: Routledge.